

به بهانه روند معکوس شرایط بنیادین و روند قیمت ها در بازار به سراغ یک موضوع چالشی رفتیم

تکنیک سهامداری دوگانه

جواد غیائی
تحلیل گر
بورس

اگر تصمیم گرفته اید که در بازار سهام بمانید توصیه می کنیم از یک تکنیک ساده استفاده کنید. پول خود را دو بخش کنید. بخش اول را به همین سبک فعلی سرمایه گذاری کنید اما بخش دوم را در یک حساب جداگانه در سهم های بنیادین، با رعایت حد سود و زیان و حد زمان سرمایه گذاری کنید. (برای ایجاد حساب جداگانه می توانید از یک کارگزاری دیگر هم کد بورسی بگیرید و پول را دو بخش کنید). به سبب اول هر روز سر بزیند اما فقط وقتی سراغ سبد دوم بروید که منطبق بنیادین اجازه بدهد

اکثر حاضران در بازار ضرر کرده اند، چرا شرکت های بزرگ که هم اطلاعاتی دقیق تری و هم تحلیل گران قوی در اختیار دارند، در بازار خریدار بوده اند؟ اگرچه توضیحات و ملاحظات مختلفی در پاسخ به این سوال وجود دارد، اما یک پاسخ در مفهوم تحلیل بنیادین و نگاه بلندمدت نهفته است.

بازار سرمایه کشور اولین هفته اسفند را نیز با افت قیمت ها و شاخص ها پشت سر گذاشت تا برای نهمین هفته متوالی شاهد خروج حقیقی ها از بازار باشیم. طی این مدت حدود ۲۲ هزار میلیارد تومان سرمایه حقیقی از بازار خارج شده و حقوقی ها خریدار بوده اند. در این شرایط این سوال ایجاد می شود که علت خرید حقوقی ها چیست؟ وقتی بازار نزولی است و

درباره معکوس شدن روند بورس و روند متغیرهای بنیادین

این روزها بورس در حالی نزولی است که قیمت های جهانی کالاها و اساسی (کامودیتی ها) در حال رکوردشکنی است. برخی شرکت ها در گزارش ۹ ماهه سود بالایی را شناسایی کرده اند و چشم انداز عمومی مثبت است. در بازار جهانی، عوامل مختلفی از جمله واکسیناسیون کرونا و کاهش محدودیت های کرونایی یک فضای کاملاً مثبت ایجاد کرده است. فضایی که وضعیت شرکت های صادرات محور را بهبود خواهد بخشید. شرکت هایی که هم اکنون نیز قیمت های بالا و حبابی ندارند اما بورس بی توجه به این شرایط در حال افت است.

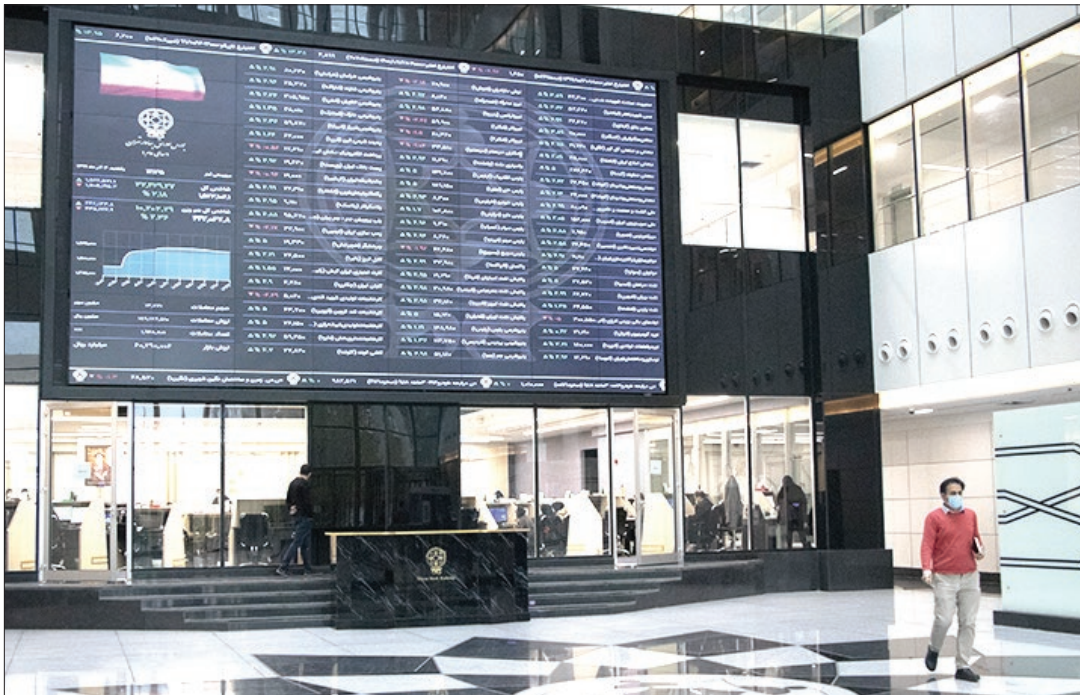
همین شرایط یک سال قبل هم وجود داشت؛ اما دقیقاً برعکس. در حالی که کرونا در حال تاخت و تاز بود و اقتصادها و بورس های جهانی روزهای سختی را پشت سر می گذاشتند، بورس ایران هر روز رکورد های تازه ای را ثبت می کرد. هر چه وضعیت بنیادین بدتر می شد، بورس کشور رشد بیشتری را ثبت می کرد اما آن چه واضح است این است که نمی توان گفت بورس کشور به روند بنیادین بی توجه است یا این که بر خلاف آن رفتار می کند.

بازگشت به قیمت تعادلی و بلندمدت در بلندمدت!

اگر به معنای رفتار بنیادین و بلندمدت توجه کنیم، هم تناقض بالا رفت و هم علت خرید حقوقی ها در ۹ هفته اخیر روشن می شود. واقعیت این است که بازار در نهایت قیمت ها را به مقادیر منطقی و بنیادین آن ها باز خواهد گرداند و گریزی از این ماجرا نیست، چرا که قیمت منطقی و تحلیلی هر کالا یا سهمی، یک مقدار تعادلی است و نیروهای طبیعی بازار قیمت را به این مقدار باز خواهند گرداند. این موضوع را هر اقتصاددان یا اقتصادخوانده یا فعال اقتصادی با جرئت تایید خواهد کرد اما اگر پرسید که کی؟ هیچ کدام پاسخ نخواهند داد. اقتصاددانان خواهند گفت: در بلندمدت! اگر پرسید که بلندمدت یعنی چند وقت؟ احتمالاً خواهند گفت: وقتی تاثیر عوامل غیر بنیادین و کوتاه مدت از بین برود! فکر می کنم طرح مسئله و ابهام زایی به حد کفایت انجام شد. در ادامه با مثال هایی توضیح می دهم و ابهام زدایی می کنم.

چرا ناگزیر به بازگشت به تعادل هستیم؟

اواخر بهار امسال یکی از دوستان پرسید که بورس تا کجا رشد می کند؟ گفتم چاره ای جز یک افت یا ریزش پیش روی بازار نیست. گفت چرا؟ گفتم که قیمت ها از تعادل منحرف است و این روند نمی تواند تا بی نهایت ادامه یابد. به عنوان یک مثال، شرکتی که در سال ۱۰۰ تومان سود می سازد، الان چهار هزار تومان قیمت دارد. یعنی ۲/۵ درصد در سال! وقتی فردی می تواند با سپرده گذاری در بانک سالانه ۱۵ تا ۲۰ درصد



که عوامل کوتاه مدت از بین بروند و قیمت ها منطقی شود. تحلیل آن ها این است که سود برخی سهم ها از سود بانکی، ارز و... بیشتر خواهد بود بنابراین سهم را می خرند و حداقل بخشی از آن را به گوشه سبد خود می اندازند تا یک زمان نامشخص.

یک تکنیک ساده

البته مطمئن باشید که اگر قرار باشد، هر سهمی بخرد و سبد مطمئن نداشته باشید و هر روز هم به سبد خود سر بزیند و با رشد بورس خوشحال شوید و با افت آن دق شوید، حد سود و زیان و حد زمان مشخص نکرده باشید، قادر به رفتار منطقی و بلندمدت نخواهید بود و بالاخره یک روز در اوج منفی های بازار و با تحمل زیان سهام را می فروشید و دقایق خیرتان را نثار آن هایی می کنید که شما را تشویق به رفتار منطقی و بلندمدت کرده اند! بازار هم خارج می شود تا زمانی که داغ خیلی سرد شود!

اما اگر تصمیم گرفته اید که در بازار سهام بمانید توصیه می کنم از یک تکنیک ساده استفاده کنید. پول خود را دو بخش کنید. بخش اول را به همین سبک فعلی سرمایه گذاری کنید اما بخش دوم را در یک حساب جداگانه در سهم های بنیادین، با رعایت حد سود و زیان و حد زمان سرمایه گذاری کنید. (برای ایجاد حساب جداگانه می توانید از یک کارگزاری دیگر هم کد بورسی بگیرید و پول را دو بخش کنید). به سبد اول هر روز سر بزیند اما فقط وقتی سراغ سبد دوم بروید که منطبق بنیادین اجازه بدهد. یعنی یکی از اتفاقات زیر رخ دهد:

اتفاقی رخ دهد که صریحاً در بایید تحلیل شما در خصوص سهم اشتباه بوده است. مثلاً شما با این تحلیل که قیمت جهانی تثبیت می شود سهم را می خرید

اما قیمت های جهانی شدیداً افت کند. حد سود یا زیان شما فرا برسد. مثلاً یک سهم را به امید سود ۳۵ درصد طی یک سال خریده اید و سود شما در زمانی کمتر محقق می شود. یا حد زیان خود را ۲۰ درصد قرار داده اید. یعنی طبق تحلیل خود می دانید که بر اثر عوامل کوتاه مدتی و نوسانات بازار، قیمت بیش از ۲۰ درصد افت نمی کند. بنابراین قرار می گذارید که این ۲۰ درصد افت را تحمل کنید اما بیشتر را نه.

حد زمان شما فرا برسد. این جا همان مفهوم بلندمدت خود را نشان می دهد. در واقع حد زمان، مقدار تحلیلی شما از بلندمدت است. مثلاً می گوئید که این سهم باید طی یک سال به قیمت منطقی برسد. اگر یک سال شد و نشد، سهم را می فروشید.

یک گزینه سرمایه گذاری بهتر بیابید. طبیعتاً وقتی تصمیم به خرید تحلیلی یک سبد دارایی می کنید، آن را بهترین گزینه (بیشترین سود با کمترین ریسک) می دانید اما ممکن است در آینده گزینه ای ظاهر شود که تفاوت فاحشی نسبت به گزینه های در دسترس گذشته دارد. در این شرایط هم فروش دارایی و رفتن سراغ سبد جدید منطقی است. بعد از یک سال (یا هر افق دیگری که خودتان تعیین می کنید) بازدهی دو سبد فوق را مقایسه کنید.

بعد بر اساس این تجربه شخصی برای رویکرد سرمایه گذاری خودتان تصمیم بگیرید. اکثر افراد با روش دوم عملکرد بهتری دارند و البته اعصاب راحت تری هم دارند و وقت کمتری هم صرف بورس می کنند اما ممکن است برای معدودی از افراد روش اول (خرید و فروش مکرر و رفتار غیر بنیادین) هم جواب بدهد بنابراین خودتان بر اساس تجربه تان تصمیم بگیرید.